

کیمیان

در نخستین بخش از مقاله حاضر به نشانه‌های وجود محبت به اهل‌بیت(ع) در میان **ایرانیان** اشاره شد. در **بخش دوم** و **آخر به عوامل ایجاد** با **تقویت این محبت که منجر به گسترش تشیع در ایران شد پرداخته‌ایم**.

عوامل ایجاد با تقویت‌کننده محبت به اهل‌بیت(ع) را در چهار گروه اصلی می‌توان دسته‌بندی کرد که به شرح آن خواهیم پرداخت. این عوامل، محبت به اهل‌بیت(ع) را در بین مردم ایجاد با تقویت کرده و هر یک از آن، سهمی در گرایش به سوی تشیع ایفا نموده است.

آشنایی ایرانیان با اهل‌بیت(ع)

ایرانیان پس از گرایش به اسلام، با اهل‌بیت(ع) آشنا شدند که این آشنایی بذر محبت به آنان را در بین ایرانیان گستراند.

از جمله اقدام‌های مهم در رواج تشیع در ایران، نقل فضایل اهل‌بیت(ع) از زبان محدثان شیعیه و سنی بود. به‌ویژه پس از حاکمیت امویان و در نتیجه حذف فشار بر محدثان در جهت‌ترویج فضایل امویان و احادیث باطل، همچنین برداشته شدن رمز نقل روایاتی که در فضایل اهل‌بیت بود، بتدریج زمینه آشنایی مردم با مکتب اهل‌بیت(ع) فراهم شد. کسانی از میان محدثان اهل سنت از علاقه‌مندان به آل‌محمد(ع) روایاتی در این باب نقل کرده‌اند، حتی این افراد از طرف متعصبان، متهم به تشیع می‌شدند، گرچه به معنای شیعه مصطلح نبوده‌اند. به علاوه محدثان شیعه هم در نشر احادیث فضایل فعال شدند.^(۱)

نقش شناخت و محبت به اهل‌بیت(ع) در گرایش ایرانیان به تشیع

عوامل ایجاد و تقویت محبت ایرانیان به اهل‌بیت(ع)

طبیعی است که ذکر فضایل این خاندان، موجب ایجاد «حمیتوبی» در بین مردم می‌شد ضمن اینکه توجه به قرآن و آیاتی چون «ایّسه تطهیر»^(۳۲)، «ایّه ذی‌القربی»^(۳۳)، «ایّه ولایت»^(۳۴) و آیات دیگر موجب جلب توجه مسلمانان به خاندان رسالت می‌شد. البته هر قدرهم بخت‌مشان تلاش می‌کردند اما نتوانستند روایات فضایل امیرالمومنین(ع) و اهل‌بیت(ع) را نمی‌شد پنهان و کتمان کرد. آشنایی ایرانیان با این روایات و به تبع آن آشنایی با اهل‌بیت(ع)، خود ایجادکننده محبت قلبی به آنان بود.^(۳۵)

برخی از ایرانیان نیز محبت اهل‌بیت(ع) و مهربانی و اخلاق‌شان را کملاً درک کرده بودند. نخستین بذرهای محبت به اهل‌بیت(ع) در بین ایرانیان، در میان موالی (ایرانیان مسلمان شده) شکل گرفت. اسام علی(ع) چه در دوره حکومت و چه قبل از آن، با موالی مراودت مهربانه داشت.

مغیره در مقام مقایسه بین امام علی(ع) و عمر، تمایل و مهرابی امام علی(ع) نسبت به موالی را یکی از وجوه تمایز آنان می‌دانست.^(۳۶) در دوران امویان که رفتارهای غیراسلامی و انسانی نسبت به ایرانیان روا داشته می‌شد، دو گروه مردم ظلم امویان؛ یعنی علویان و موالی بیشتر به هم نزدیک می‌شدند. این گروه مورد تبعیض ناروای امویان، از بسیاری از حقوق اجتماعی محروم شده بودند.^(۳۸)

شعیه مطهری نیز با بیان نمونه‌هایی از تبعیض امویان نسبت به ایرانیان و در مقابل حمایت ائمه اطهار از آنان، این عامل را موجب طرفداری ایرانیان از خاندان رسالت می‌داند.^(۳۹)

از جمله عوامل آشنایی ایرانیان با شیعه، مهاجرت شیعیان به سرزمین اهل‌بیت(ع) نسبت به موالی را یکی حدی بود که حتی شهر اصفهان - که در سنی‌گری افراطی بود- نیز پذیرای شیعیان بود. این کربلایی نقل می‌کند که ابواسحاق ابراهیم(متوفی ۲۸۳ ق) مولف کتاب «لغات و کتابت و تبعیض عرب و غیرعرب امامی مذهب بود و علمای کوفه از انتشار کتابش جلوگیری کردند و او درصدد جست‌وجوی مجلی برآمد تا آزادی بیشتری داشته باشد و به او اصفهان پیشنهاد شد که به آنجا رفت».^(۴۰)

البته نوع دیگری از مهاجرت نیز وجود داشت که برای ترویج و دفاع شیعه انجام می‌شده است. عبداللبن طبری پیش از سال ۶۷۲ در قم اقامت داشته و پس از آن در اصفهان می‌زیسته است. گفته شده که وی به دعوت محمد جونی برای بحث با سنیان به اصفهان آمده است.^(۴۱)

حضور امام رضاع(ع در قرن سوم در ایران تأثیر بسزایی در آشنایی ایرانیان با اهل‌بیت(ع) و افزایش محبت نسبت به آنان ایفا کرد. حضور حضرت و بیان معارف و سیره رفتاری ایشان موجب جلب توجه بسیاری از ایرانیان نشد و البته به تبع این سفر مهم و تاریخی، بسیاری از بزرگان تشیع به این سفر یا مهاجرت کرده موجب تقویت نگاه شیعی شدند.

جرجی زبسان در کتاب تاریخ تمدن اسلامی می‌نویسد:

حتی میزان دوستی ایرانیان به اهل‌بیت بدانچا رسید که مامون ترسید اگر بخواهد از بیعت برای امام رضاع(ع) به ولیعهدی عدول کند، او را نکشد.^(۴۲)

امام رضاع(ع در سفر تاریخی خود به ایران، چنین تأثیر عمیقی بر جای نهادند:

ایران بود. قم، ری، کاشان، آوه و... از جمله این شهرهاست.

از زمانی که علمای اهل سنت نیز به شرح حال نویسی امامان پرداختند، شناخت ایرانیان نسبت به اهل‌بیت(ع) بیشتر شد. این گرایش در قرون هشتم تا دهم کاملاً دیده می‌شود.

حمدالله مستوفی در «تاریخ گزیده» خود، شرح حال خلفا را با امامان یک جا فراهم آورده است. خواجه محمد پارسا(۸۲۲) رهبر صوفیان نقشبندی در کتاب «فصل الخطاب»، شرح حال امامان را مفصل آورده است. محیی لاری در نیمه نخست قرن دهم، شرح حال هر دو گروه را در کتاب فتوح‌الحرمین خود آورده است. درویش حسین کربلایی نیز همین کار را در کتاب «روضات‌الجنان و جنات‌الجنان» انجام داده است. فضل بن روزبهان خنجی(۹۲۷) عالم سنی معروف اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم، در کتاب «وسيلة الخادم الی المخدم» شرح حال چهارده (معصوم) را آورده است.^(۴۳)

سلمان فارسی از بزرگان اسلام و تشیع از جمله کسانی بود که در آشنایی ایرانیان با اهل‌بیت(ع) نقشی اساسی داشت.

نکته دیگری که می‌توان در آشنایی ایرانیان مسلمان با اهل‌بیت(ع) بیان کرد؛ وجود سادات سنی مذهب بود. عبدالجلیل صاحب کتاب نقض که مهم‌ترین منبع در تبیین خوفاثی دینی ایران در قرن پنجم و ششم است، فهرستی از سادات را در شهرهای مختلف که بعضاً سنی هستند ارائه میدهد. سادات به‌طور عموم شیعه‌اند. حتی اگر شیعه نباشند، بیشتر آنها علاقل شیعی سختی دارند.^(۴۴)

سبک زندگی و رفتار شیعیان و سادات

آداب زندگی و زیست فرد و اجتماعی شیعیان، از عوامل مهم آشنایی مردم و افزایش محبت به آنان بوده است. مردمزاری، سلوک زاهدانه، دستگیری از دیگران و... قلوب مردم را جذب می‌نماید. این بخش، با چند محور تبیین خواهد شد.

عدالت‌خواهی و حق‌طلبی از شیعیه چهره زیبایی ساخته بود که مظلومیان را به خود جذب می‌نمود. شهید مطهری تأثیر حساسیت خاندان رسالت به تحقق عدل و عدالت را در جذب ایرانیان به تشیع، این‌گونه بیان می‌کند:

آن چیزی که بیش از هر چیز دیگری روح تشنه ایرانی را به سوی اسلام می‌کشید، عدل و مساوت اسلامی بود. ایرانی قرن‌ها از این نظر محرومیت کشته بود و انتظار چنین چیزی را داشت. ایرانیان می‌دیدند که ساداتی که بدون هیچ‌گونه تعصبی عدل و مساوت اسلامی را اجرا می‌کنند و نسبت به آنها بی‌نیات، حساسیت دارند، خاندان رسالتند. خاندان برجسته پناهگاه عدل اسلامی، مخصوصاً از نظر مسلمانان غیر عرب بودند.^(۴۵)

ایرانیان مصادیق حقیقی حس کمال خواهی و صداقت جویی خود را که بیش از آن در تفکر شاهی و موبدی پاسخی صحیح نیافته بودند در خاندان رسالت پیدا کردند. وان فلوتن معتقد است:

یکی از مویجات گرایش خراسانیان و دیگر ایرانیان به علویان این بود که جز در زمان حکومت امام علی(ع) هیچ‌گاه رفتار شایسته‌ای با آنان نشده بود و روی عدالتی ندیده بودند.^(۴۶)

این توجه تشیع به عدل و مساوات، مقبول عموم مردم ایران بود و موجب شد تا بسیاری از مردم «طفاقت متوسط»، به تشیع گرایش یابند.

شهید مطهری با بیان نمونه‌هایی از تبعیض‌های امویان نسبت به ایرانیان، و بیان شواهد متعددی از مخالفت ائمه با سیاست تبعیض عرب و غیرعرب نتیجه می‌گیرند:

از این نوع جریان‌ها که نشان می‌دهد سیاست تبعیض و تفاوت میان عرب و غیرعرب در سیاست اسلام اجرا می‌شد، تا ائمه اطهار عموماً با این سیاست مخالفت می‌کرده‌اند، در تاریخ اسلام زیاد دیده می‌شود. همین به تنهایی کافی بوده که ایرانیان که از طرفی به روح و حقیقت اسلام بیش از دیگران توجه داشته‌اند و از طرف دیگر بیش از هر قوم دیگر از این تبعیضات زبسان می‌دیده‌اند، طرفدار خاندان رسالت بشوند.^(۴۷)

اخلاق اسلامی که به‌ویژه در اهل‌بیت(ع) و خاندان پیامبر اکرم(ص) تجلی تمام و کمال یافته بود یکی از مهم‌ترین عوامل جلب توجه مردم به دین اسلام و گرایش داوطلبانه و قلبی ایشان به این مکتب بود. علویان در زندگی خود انسان‌های پرهیزکاری بودند و به همین دلیل مردم به نام احترام می‌گذاشتند و مورد استقبال قرار می‌گرفتند. این اسفندیار می‌نویسد: به هر وقت ساداتی که به نواحی ایشان نشسته بودند و زهد و علم و ورع ایشان را اعتقاد کردند و گفتند آنچه سیرت مسلمانان است با سادات است.^(۴۸)

قطعا بخش مهمی از نفوذ علویان معلول سبجایی اخلاقی آنان بود که با عشق و علاقه طبیعی مردم به خاندان پیامبر(ص) ترکیب می‌شد. این عشق و علاقه به

شیعیان به‌ویژه سادات به دلیل انتساب به اهل‌بیت(ع) همواره مورد احترام بودند. این احترام طبیعی از سویی و ماهیت ضدظلم و عدالت‌خواهانه شیعه از سوی دیگر و همچنین تجربه قیام‌های شیعیان موجب می‌شد تا مردم در برابر ستم و ظلم و امیران آنها، به علویان به چشم پناهگاه در سختی‌ها و مشکلات ببینند و پیوسته چشم امید بر اقدامات شیعیان برای رسیدن به آزادی و امنیت داشته باشند.

یوسف بن یعقوب در قرن سوم برای اینکه معتضد را از ایجاد فضای آزار، به سبب شورش و جسارت احتمالی علویان منصرف سازد، می‌گوید:

بسیاری از مردم به علت خوشنواشی پدیعمر و مأثر ایشان، به آنان می‌گروند.^(۴۹)

در ذیل این بحث میتوان به آیین فتوت و جوامردی اشاره کرد که در شیعه یک هنجار و حتی به‌عنوان یک نهاد اجتماعی تبدیل شد. فتوت و جوامردی در تاریخ ایران بیشتر منشأ مذهبی داشت.

نقش علما و حاکمان شیعی

نقش علمای شیعیه و همچنین سلسله‌ها و حاکمان شیعی در گسترش فرهنگ محبت به اهل‌بیت(ع)، برجسته بوده است. بربر اهل‌بیت بدون تعصب برخی بزرگان شیعیه با اهل سنت در برابر اهل سنت، تسامح خواسته یا ناخواسته متعصبان به‌ویژه بزرگان و علمای شیعه در برابر اهل سنت، در دوره‌های مختلف تاریخی، هم از شدت فشار بر شیعیان کاسته است و هم موجب نزدیک شدن شیعیان و سنیان شده است. این هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و بردباری مذهبی زمینه‌های تقابل

معارفMaarefkayhan@Kayhan.ir

به پیروی از برخی علما، مردم شیعه و سنی هم با یک‌دیگر ارتباط مذهبی برقرار می‌کردند. عبدالجلیل رازی تأیید می‌کند که شافعیان و حنفیان نیز به مجالس شیعی می‌آمدند:

کدام دوشنبه باشد که در مجلس ما از ده و بیست و پنجاه و ناصدق مشفت خوان و عالم و بازاری از حنفیان و شافعیان کمتر باشند و می‌شنوند و بعضی می‌نوسند.^(۵۱) کارآمدی حاکمان شیعی نیز جذب‌کننده به سوی تشیع بوده است. یکی از کسانی که به سبب کارآمدی، فعالیت‌های فرهنگی موثری را انجام داد و بسیاری را به اسلام دعوت کرد، ناصر کبیر از فرمانروایان حکومت علویان طبرستان بود.^(۵۲)

فعالیت‌های فکری، فرهنگی و سیاسی

بخش عمده‌ای از محبت ایرانیان به اهل‌بیت(ع) معلول آشنایی با آنان از طریق فعالیت‌های فکری، فرهنگی و سیاسی است. از زوایای مختلف می‌توان به این فعالیت‌ها منشأ مذهبی می‌پردازیم.

نگاه وحدت‌گرایانه به شیعه و سنی موجب فراگیری محبت به اهل‌بیت در بین مسلمانان شد؛ چراکه اکثر مسلمانان در بزرگی و کرامت اهل‌بیت(ع) شکبی ندارند. این نگاه در برخی مقاطع تاریخی یک‌سویه نیز نبود؛ یعنی هم شیعیان نسبت به اهل سنت و هم اهل سنت نسبت به شیعیان با نگاه وحدت و احترام می‌نگریست‌اند.

بدرالدین قزوینی رازی شاعر پارسی‌گوی ایرانی شیعی در سده ششم هجری است کاشعار پرمایه‌ای دارد. وی در شعر خود ضمن دعوت به دوری از تعصب اهل سنت را به دوستی اهل‌بیت(ع) فرامی‌خواند و از صحابه نیز تمجید می‌کند.

محمدعلی یوسفیان

بخش اخر

اخلاق اسلامی که به‌ویژه در اهل‌بیت(ع) و خاندان پیامبر اکرم(ص) تجلی تمام و کمال یافته بود یکی از مهم‌ترین عوامل جلب توجه مردم به دین اسلام و گرایش داوطلبانه و قلبی ایشان به این مکتب بود.

فرهنگی بین معتقدان این دو مذهب را فراهم کرده است. بدیهی است در فضایی که مسائل اختلافی نی‌نفته‌اند باشد، دوستی و احترام هم بیشتر می‌شود. به‌عنوان نمونه عبدالجلیل از خواجه فقیه عبدالرحمن نیشابوری نام می‌برد که وی نزد برخی حاکمان سنی، احترام و جاذبه داشته است. همچنین از ازدواج بین سران شیعه و حکومت به‌عنوان عامل ارتباط بین شیعه و سنی می‌توان نام برد؛ ازدواج فرزند سیدمرتضی قمی با دختر نظام‌الملک از این دست اقدامات شیعی صاحب نفوذ است. در مجالدملک - از زواری شیعی- عهد سلجوقی - نیز نام می‌برد که برخورد‌های کرامت‌آمیزی با اهل سنت داشته است.

تأکید بر تولی به جای تمسک بر تیری نیز از عوامل مهم گرایش به تشیع بوده است. بسیاری از شیعیان در مناطقی که غلبه یا تسنن بود، عقیده خود را بیشتر در حب اهل‌بیت(ع) نشان می‌دادند. یعنی بیشتر به تولی تأکید داشتند تا تبری؛ مانند صاحب بن عباد که از برترین وزرای ایرانی است و از چهره‌های برجسته شیعی- معتزلی قرن چهارم است. عباد به سبب داشتن دانش و ادب والا شهرت خاصی یافته و همین امر سبب شده تا در دوره همام کسانی به مذهب وی درآیند.^(۵۳) و حتی زمانی که در اصفهان بود و تسننی قوی در آنجا حاکم بود برای ارائه عقائدش تلاش می‌کرد و اشاعر زیادی در حب اهل‌بیت(ع) سروده است. وی در شعری می‌گوید:

آنان مرا به‌خاطر حبِّ شما، رافضی می‌خوانند. اما شدت فریادشان مرا از دوستی شما بازداشت.^(۵۴)

از دیگر عوامل موثر در ایجاد با تقویت محبت به اهل‌بیت(ع) بر خود‌دهای کرامت‌آمیز علما و حاکمان شیعی با اهل سنت بود و موجب شد تا بسیاری از مردم «طفاقت متوسط»، به تشیع گرایش یابند.

شهید مطهری با بیان نمونه‌هایی از تبعیض‌های امویان نسبت به ایرانیان، و بیان شواهد متعددی از مخالفت ائمه با سیاست تبعیض عرب و غیرعرب نتیجه می‌گیرند:

از این نوع جریان‌ها که نشان می‌دهد سیاست تبعیض و تفاوت میان عرب و غیرعرب در سیاست اسلام اجرا می‌شد، تا ائمه اطهار عموماً با این سیاست مخالفت می‌کرده‌اند، در تاریخ اسلام زیاد دیده می‌شود. همین به تنهایی کافی بوده که ایرانیان که از طرفی به روح و حقیقت اسلام بیش از دیگران توجه داشته‌اند و از طرف دیگر بیش از هر قوم دیگر از این تبعیضات زبسان می‌دیده‌اند، طرفدار خاندان رسالت بشوند.^(۴۷)

اخلاق اسلامی که به‌ویژه در اهل‌بیت(ع) و خاندان پیامبر اکرم(ص) تجلی تمام و کمال یافته بود یکی از مهم‌ترین عوامل جلب توجه مردم به دین اسلام و گرایش داوطلبانه و قلبی ایشان به این مکتب بود. علویان در زندگی خود انسان‌های پرهیزکاری بودند و به همین دلیل مردم به نام احترام می‌گذاشتند و مورد استقبال قرار می‌گرفتند. این اسفندیار می‌نویسد: به هر وقت ساداتی که به نواحی ایشان نشسته بودند و زهد و علم و ورع ایشان را اعتقاد کردند و گفتند آنچه سیرت مسلمانان است با سادات است.^(۴۸)

به تلافی رسمیت شیعه در ایران گردن زده در حالی که وجود بیش از چند میلیون بلخ، ترکمن، کرد و بسیاری از اهالی جنوب و شمال کشور که سنی مذهب هستند، دلیل روشنی به عدم تصفیه خون مذهبی مورد ادعای برخی از مورخان سنی ایرانی و هم‌مذهبان بی‌گناه آن‌هاست.^(۴۹)

در قرون هفتم و هشتم، تشیع نفوذ قابل توجهی بر افکار عالمان اهل سنت داشت و رفت و آمد میان عالمان شیعه و سنی، به‌ویژه ادبا فراوان بود. نمونه آن ارتباط ابن قوطی حنبلی مذهب با اربلی و کسانی از خاندان آل‌طووس است . اشخاص فراوانی را می‌توان به تلافی رسمیت شیعه در ایران گردن زده در حالی که وجود بیش از چند میلیون بلخ، ترکمن، کرد و بسیاری از اهالی جنوب و شمال کشور که سنی مذهب هستند، دلیل روشنی به عدم تصفیه خون مذهبی مورد ادعای برخی از مورخان سنی ایرانی و هم‌مذهبان بی‌گناه آن‌هاست.^(۴۹)

پیش از این زمان نیز متصوفه اگرچه پایبند به یکی از مذاهب اهل تسنن بودند اما در اعتقاد و تکبیه بر فضایل و گف‌وپذیری از امام علی(ع) اشتراک داشتند. مولوی و خاندان و مریدانش در همه دوره‌ها تاریخی، بر مذهب فقهی حنفی بوده‌اند؛ اما همچون بسیاری از صوفیان، ارادت زیادی به امیرالمومنین(ع) داشته‌اند و یی داستان نبرد امیرمومنان(ع) با عمربن عبود که یکی از مناقب فضایل پیامبر مهم امام است را آورده و می‌گوید: ای علی که جمله عقل و دیده‌ای ششمه‌ای واگو از آنچه دیدهای تیغ حلمت خاک را بر چاک کرد آب علمت حاکم را با پاک کرد

از جمله متفکران سنی‌مذهب که با تمسک به نهج‌الاعلام به‌دنبال یافتن راهی میان تشیع و تسنن تلاش بوده تا براساس نهج‌الاعلام و نیز تگرش خاص عرفانی - صوفیانه خویش، راهی را نشان دهد تا طی آن حرمت همه محفوظ بماند و در عین حال وسیله‌ای برای تفاهم و تساهل تلقی شود. این روش که از آن به تسنن اعتدالی تعبیر می‌شود، از قرن چهارم آغاز و تا

به پیروی از برخی علما، مردم شیعه و سنی هم با یک‌دیگر ارتباط مذهبی برقرار می‌کردند. عبدالجلیل رازی تأیید می‌کند که شافعیان و حنفیان نیز به مجالس شیعی می‌آمدند:

کدام دوشنبه باشد که در مجلس ما از ده و بیست و پنجاه و ناصدق مشفت خوان و عالم و بازاری از حنفیان و شافعیان کمتر باشند و می‌شنوند و بعضی می‌نوسند.^(۵۱) کارآمدی حاکمان شیعی نیز جذب‌کننده به سوی تشیع بوده است. یکی از کسانی که به سبب کارآمدی، فعالیت‌های فرهنگی موثری را انجام داد و بسیاری را به اسلام دعوت کرد، ناصر کبیر از فرمانروایان حکومت علویان طبرستان بود.^(۵۲)

فعالیت‌های فکری، فرهنگی و سیاسی

بخش عمده‌ای از محبت ایرانیان به اهل‌بیت(ع) معلول آشنایی با آنان از طریق فعالیت‌های فکری، فرهنگی و سیاسی است. از زوایای مختلف می‌توان به این فعالیت‌ها منشأ مذهبی می‌پردازیم. نگاه وحدت‌گرایانه به شیعه و سنی موجب فراگیری محبت به اهل‌بیت در بین مسلمانان شد؛ چراکه اکثر مسلمانان در بزرگی و کرامت اهل‌بیت(ع) شکبی ندارند. این نگاه در برخی مقاطع تاریخی یک‌سویه نیز نبود؛ یعنی هم شیعیان نسبت به اهل سنت و هم اهل سنت نسبت به شیعیان با نگاه وحدت و احترام می‌نگریست‌اند.

... تسنن نیز بتدریج به تشیع نزدیک شد و این نزدیکی از طریق محبت اهل‌بیت(ع) بود. اندک‌اندک شرح حال امامان(ع) در کتاب‌های اهل سنت وارد شد و به جز مسائل فقهی، امامت و ولایت اهل‌بیت پذیرفته شد. فضای فرهنگی میان سنیان ایران در قرن هشتم و نهم، به جز مواردی استثنایی، براسان این باور بود که

تسنن نیز بتدریج به تشیع نزدیک شد و این نزدیکی از طریق محبت اهل‌بیت(ع) بود. اندک‌اندک شرح حال امامان(ع) در کتاب‌های اهل سنت وارد شد و به جز مسائل فقهی، امامت و ولایت اهل‌بیت پذیرفته شد. فضای فرهنگی میان سنیان ایران در قرن هشتم و نهم، به جز مواردی استثنایی، براسان این باور بود که تسنن نیز بتدریج به تشیع نزدیک شد و این نزدیکی از طریق محبت اهل‌بیت(ع) بود. اندک‌اندک شرح حال امامان(ع) در کتاب‌های اهل سنت وارد شد و به جز مسائل فقهی، امامت و ولایت اهل‌بیت پذیرفته شد. فضای فرهنگی میان سنیان ایران در قرن هشتم و نهم، به جز مواردی استثنایی، براسان این باور بود که تسنن نیز بتدریج به تشیع نزدیک شد و این نزدیکی از طریق محبت اهل‌بیت(ع) بود. اندک‌اندک شرح حال امامان(ع) در کتاب‌های اهل سنت وارد شد و به جز مسائل فقهی، امامت و ولایت اهل‌بیت پذیرفته شد. فضای فرهنگی میان سنیان ایران در قرن هشتم و نهم، به جز مواردی استثنایی، براسان این باور بود که تسنن نیز بتدریج به تشیع نزدیک شد و این نزدیکی از طریق محبت اهل‌بیت(ع) بود. اندک‌اندک شرح حال امامان(ع) در کتاب‌های اهل سنت وارد شد و به جز مسائل فقهی، امامت و ولایت اهل‌بیت پذیرفته شد. فضای فرهنگی میان سنیان ایران در قرن هشتم و نهم، به جز مواردی استثنایی، براسان این باور بود که تسنن نیز بتدریج به تشیع نزدیک شد و این نزدیکی از طریق محبت اهل‌بیت(ع) بود. اندک‌اندک شرح حال امامان(ع) در کتاب‌های اهل سنت وارد شد و به جز مسائل فقهی، امامت و ولایت اهل‌بیت پذیرفته شد. فضای فرهنگی میان سنیان ایران در قرن هشتم و نهم، به جز مواردی استثنایی، براسان این باور بود که تسنن نیز بتدریج به تشیع نزدیک شد و این نزدیکی از طریق محبت اهل‌بیت(ع) بود. اندک‌اندک شرح حال امامان(ع) در کتاب‌های اهل سنت وارد شد و به جز مسائل فقهی، امامت و ولایت اهل‌بیت پذیرفته شد. فضای فرهنگی میان سنیان ایران در قرن هشتم و نهم، به جز مواردی استثنایی، براسان این باور بود که تسنن نیز بتدریج به تشیع نزدیک شد و این نزدیکی از طریق محبت اهل‌بیت(ع) بود. اندک‌اندک شرح حال امامان(ع) در کتاب‌های اهل سنت وارد شد و به جز مسائل فقهی، امامت و ولایت اهل‌بیت پذیرفته شد. فضای فرهنگی میان سنیان ایران در قرن هشتم و نهم، به جز مواردی استثنایی، براسان این باور بود که تسنن نیز بتدریج به تشیع نزدیک شد و این نزدیکی از طریق محبت اهل‌بیت(ع) بود. اندک‌اندک شرح حال امامان(ع) در کتاب‌های اهل سنت وارد شد و به جز مسائل فقهی، امامت و ولایت اهل‌بیت پذیرفته شد. فضای فرهنگی میان سنیان ایران در قرن هشتم و نهم، به جز مواردی استثنایی، براسان این باور بود که تسنن نیز بتدریج به تشیع نزدیک شد و این نزدیکی از طریق محبت اهل‌بیت(ع) بود. اندک‌اندک شرح حال امامان(ع) در کتاب‌های اهل سنت وارد شد و به جز مسائل فقهی، امامت و ولایت اهل‌بیت پذیرفته شد. فضای فرهنگی میان سنیان ایران در قرن هشتم و نهم، به جز مواردی استثنایی، براسان این باور بود که تسنن نیز بتدریج به تشیع نزدیک شد و این نزدیکی از طریق محبت اهل‌بیت(ع) بود. اندک‌اندک شرح حال امامان(ع) در کتاب‌های اهل سنت وارد شد و به جز مسائل فقهی، امامت و ولایت اهل‌بیت پذیرفته شد. فضای فرهنگی میان سنیان ایران در قرن هشتم و نهم، به جز مواردی استثنایی، براسان این باور بود که تسنن نیز بتدریج به تشیع نزدیک شد و این نزدیکی از طریق محبت اهل‌بیت(ع) بود. اندک‌اندک شرح حال امامان(ع) در کتاب‌های اهل سنت وارد شد و به جز مسائل فقهی، امامت و ولایت اهل‌بیت پذیرفته شد. فضای فرهنگی میان سنیان ایران در قرن هشتم و نهم، به جز مواردی استثنایی، براسان این باور بود که تسنن نیز بتدریج به تشیع نزدیک شد و این نزدیکی از طریق محبت اهل‌بیت(ع) بود. اندک‌اندک شرح حال امامان(ع) در کتاب‌های اهل سنت وارد شد و به جز مسائل فقهی، امامت و ولایت اهل‌بیت پذیرفته شد. فضای فرهنگی میان سنیان ایران در قرن هشتم و نهم، به جز مواردی استثنایی، براسان این باور بود که تسنن نیز بتدریج به تشیع نزدیک شد و این نزدیکی از طریق محبت اهل‌بیت(ع) بود. اندک‌اندک شرح حال امامان(ع) در کتاب‌های اهل سنت وارد شد و به جز مسائل فقهی، امامت و ولایت اهل‌بیت پذیرفته شد. فضای فرهنگی میان سنیان ایران در قرن هشتم و نهم، به جز مواردی استثنایی، براسان این باور بود که تسنن نیز بتدریج به تشیع نزدیک شد و این نزدیکی از طریق محبت اهل‌بیت(ع) بود. اندک‌اندک شرح حال امامان(ع) در کتاب‌های اهل سنت وارد شد و به جز مسائل فقهی، امامت و ولایت اهل‌بیت پذیرفته شد. فضای فرهنگی میان سنیان ایران در قرن هشتم و نهم، به جز مواردی استثنایی، براسان این باور بود که تسنن نیز بتدریج به تشیع نزدیک شد و این نزدیکی از طریق محبت اهل‌بیت(ع) بود. اندک‌اندک شرح حال امامان(ع) در کتاب‌های اهل سنت وارد شد و به جز مسائل فقهی، امامت و ولایت اهل‌بیت پذیرفته شد. فضای فرهنگی میان سنیان ایران در قرن هشتم و نهم، به جز مواردی استثنایی، براسان این باور بود که تسنن نیز بتدریج به تشیع نزدیک شد و این نزدیکی از طریق محبت اهل‌بیت(ع) بود. اندک‌اندک شرح حال امامان(ع) در کتاب‌های اهل سنت وارد شد و به جز مسائل فقهی، امامت و ولایت اهل‌بیت پذیرفته شد. فضای فرهنگی میان سنیان ایران در قرن هشتم و نهم، به جز مواردی استثنایی، براسان این باور بود که تسنن نیز بتدریج به تشیع نزدیک شد و این نزدیکی از طریق محبت اهل‌بیت(ع) بود. اندک‌اندک شرح حال امامان(ع) در کتاب‌های اهل سنت وارد شد و به جز مسائل فقهی، امامت و ولایت اهل‌بیت پذیرفته شد. فضای فرهنگی میان سنیان ایران در قرن هشتم و نهم، به جز مواردی استثنایی، براسان این باور بود که تسنن نیز بتدریج به تشیع نزدیک شد و این نزدیکی از طریق محبت اهل‌بیت(ع) بود. اندک‌اندک شرح حال امامان(ع) در کتاب‌های اهل سنت وارد شد و به جز مسائل فقهی، امامت و ولایت اهل‌بیت پذیرفته شد. فضای فرهنگی میان سنیان ایران در قرن هشتم و نهم، به جز مواردی استثنایی، براسان این باور بود که تسنن نیز بتدریج به تشیع نزدیک شد و این نزدیکی از طریق محبت اهل‌بیت(ع) بود. اندک‌اندک شرح حال امامان(ع) در کتاب‌های اهل سنت وارد شد و به جز مسائل فقهی، امامت و ولایت اهل‌بیت پذیرفته شد. فضای فرهنگی میان سنیان ایران در قرن هشتم و نهم، به جز مواردی استثنایی، براسان این باور بود که تسنن نیز بتدریج به تشیع نزدیک شد و این نزدیکی از طریق محبت اهل‌بیت(ع) بود. اندک‌اندک شرح حال امامان(ع) در کتاب‌های اهل سنت وارد شد و به جز مسائل فقهی، امامت و ولایت اهل‌بیت پذیرفته شد. فضای فرهنگی میان سنیان ایران در قرن هشتم و نهم، به جز مواردی استثنایی، براسان این باور بود که تسنن نیز بتدریج به تشیع نزدیک شد و این نزدیکی از طریق محبت اهل‌بیت(ع) بود. اندک‌اندک شرح حال امامان(ع) در کتاب‌های اهل سنت وارد شد و به جز مسائل فقهی، امامت و ولایت اهل‌بیت پذیرفته شد. فضای فرهنگی میان سنیان ایران در قرن هشتم و نهم، به جز مواردی استثنایی، براسان این باور بود که تسنن نیز بتدریج به تشیع نزدیک شد و این نزدیکی از طریق محبت اهل‌بیت(ع) بود. اندک‌اندک شرح حال امامان(ع) در کتاب‌های اهل سنت وارد شد و به جز مسائل فقهی، امامت و ولایت اهل‌بیت پذیرفته شد. فضای فرهنگی میان سنیان ایران در قرن هشتم و نهم، به جز مواردی استثنایی، براسان این باور بود که تسنن نیز بتدریج به تشیع نزدیک شد و این نزدیکی از طریق محبت اهل‌بیت(ع) بود. اندک‌اندک شرح حال امامان(ع) در کتاب‌های اهل سنت وارد شد و به جز مسائل فقهی، امامت و ولایت اهل‌بیت پذیرفته شد. فضای فرهنگی میان سنیان ایران در قرن هشتم و نهم، به جز مواردی استثنایی، براسان این باور بود که تسنن نیز بتدریج به تشیع نزدیک شد و این نزدیکی از طریق محبت اهل‌بیت(ع) بود. اندک‌اندک شرح حال امامان(ع) در کتاب‌های اهل سنت وارد شد و به جز مسائل فقهی، امامت و ولایت اهل‌بیت پذیرفته شد. فضای فرهنگی میان سنیان ایران در قرن هشتم و نهم، به جز مواردی استثنایی، براسان این باور بود که تسنن نیز بتدریج به تشیع نزدیک شد و این نزدیکی از طریق محبت اهل‌بیت(ع) بود. اندک‌اندک شرح حال امامان(ع) در کتاب‌های اهل سنت وارد شد و به جز مسائل فقهی، امامت و ولایت اهل‌بیت پذیرفته شد. فضای فرهنگی میان سنیان ایران در قرن هشتم و نهم، به جز مواردی استثنایی، براسان این باور بود که تسنن نیز بتدریج به تشیع نزدیک شد و این نزدیکی از طریق محبت اهل‌بیت(ع) بود. اندک‌اندک شرح حال امامان(ع) در کتاب‌های اهل سنت وارد شد و به جز مسائل فقهی، امامت و ولایت اهل‌بیت پذیرفته شد. فضای فرهنگی میان سنیان ایران در قرن هشتم و نهم، به جز مواردی استثنایی، براسان این باور بود که تسنن نیز بتدریج به تشیع نزدیک شد و این نزدیکی از طریق محبت اهل‌بیت(ع) بود. اندک‌اندک شرح حال امامان(ع) در کتاب‌های اهل سنت وارد شد و به جز مسائل فقهی، امامت و ولایت اهل‌بیت پذیرفته شد. فضای فرهنگی میان سنیان ایران در قرن هشتم و نهم، به جز مواردی استثنایی، براسان این باور بود که تسنن نیز بتدریج به تشیع نزدیک شد و این نزدیکی از طریق محبت اهل‌بیت(ع) بود. اندک‌اندک شرح حال امامان(ع) در کتاب‌های اهل سنت وارد شد و به جز مسائل فقهی، امامت و ولایت اهل‌بیت پذیرفته شد. فضای فرهنگی میان سنیان ایران در قرن هشتم و نهم، به جز مواردی استثنایی، براسان این باور بود که تسنن نیز بتدریج به تشیع نزدیک شد و این نزدیکی از طریق محبت اهل‌بیت(ع) بود. اندک‌اندک شرح حال امامان(ع) در کتاب‌های اهل سنت وارد شد و به جز مسائل فقهی، امامت و ولایت اهل‌بیت پذیرفته شد. فضای فرهنگی میان سنیان ایران در قرن هشتم و نهم، به جز مواردی استثنایی، براسان این باور بود که تسنن نیز بتدریج به تشیع نزدیک شد و این نزدیکی از طریق محبت اهل‌بیت(ع) بود. اندک‌اندک شرح حال امامان(ع) در کتاب‌های اهل سنت وارد شد و به جز مسائل فقهی، امامت و ولایت اهل‌بیت پذیرفته شد. فضای فرهنگی میان سنیان ایران در قرن هشتم و نهم، به جز مواردی استثنایی، براسان این باور بود که تسنن نیز بتدریج به تشیع نزدیک شد و این نزدیکی از طریق محبت اهل‌بیت(ع) بود. اندک‌اندک شرح حال امامان(ع) در کتاب‌های اهل سنت وارد شد و به جز مسائل فقهی، امامت و ولایت اهل‌بیت پذیرفته شد. فضای فرهنگی میان سنیان ایران در قرن هشتم و نهم، به جز مواردی استثنایی، براسان این باور بود که تسنن نیز بتدریج به تشیع نزدیک شد و این نزدیکی از طریق محبت اهل‌بیت(ع) بود. اندک‌اندک شرح حال امامان(ع) در کتاب‌های اهل سنت وارد شد و به جز مسائل فقهی، امامت و ولایت اهل‌بیت پذیرفته شد. فضای فرهنگی میان سنیان ایران در قرن هشتم و نهم، به جز مواردی استثنایی، براسان این باور بود که تسنن نیز بتدریج به تشیع نزدیک شد و این نزدیکی از طریق محبت اهل‌بیت(ع) بود. اندک‌اندک شرح حال امامان(ع) در کتاب‌های اهل سنت وارد شد و به جز مسائل فقهی، امامت و ولایت اهل‌بیت پذیرفته شد. فضای فرهنگی میان سنیان ایران در قرن هشتم و نهم، به جز مواردی استثنایی، براسان این باور بود که تسنن نیز بتدریج به تشیع نزدیک شد و این نزدیکی از طریق محبت اهل‌بیت(ع) بود. اندک‌اندک شرح حال امامان(ع) در کتاب‌های اهل سنت وارد شد و به جز مسائل فقهی، امامت و ولایت اهل‌بیت پذیرفته شد. فضای فرهنگی میان سنیان ایران در قرن هشتم و نهم، به جز مواردی استثنایی، براسان این باور بود که تسنن نیز بتدریج به تشیع نزدیک شد و این نزدیکی از طریق محبت اهل‌بیت(ع) بود. اندک‌اندک شرح حال امامان(ع) در کتاب‌های اهل سنت وارد شد و به جز مسائل فقهی، امامت و ولایت اهل‌بیت پذیرفته شد. فضای فرهنگی میان سنیان ایران در قرن هشتم و نهم، به جز مواردی استثنایی، براسان این باور بود که تسنن نیز بتدریج به تشیع نزدیک شد و این نزدیکی از طریق محبت اهل‌بیت(ع) بود. اندک‌اندک شرح حال امامان(ع) در کتاب‌های اهل سنت وارد شد و به جز مسائل فقهی، امامت و ولایت اهل‌بیت پذیرفته شد. فضای فرهنگی میان سنیان ایران در قرن هشتم و نهم، به جز مواردی استثنایی، براسان این باور بود که تسنن نیز بتدریج به تشیع نزدیک شد و این نزدیکی از طریق محبت اهل‌بیت(ع) بود. اندک‌اندک شرح حال امامان(ع) در کتاب‌های اهل سنت وارد شد و به جز مسائل فقهی، امامت و ولایت اهل‌بیت پذیرفته شد. فضای فرهنگی میان سنیان ایران در قرن هشتم و نهم، به جز مواردی استثنایی، براسان این باور بود که تسنن نیز بتدریج به تشیع نزدیک شد و این نزدیکی از طریق محبت اهل‌بیت(ع) بود. اندک‌اندک شرح حال امامان(ع) در کتاب‌های اهل سنت وارد شد و به جز مسائل فقهی، امامت و ولایت اهل‌بیت پذیرفته شد. فضای فرهنگی میان سنیان ایران در قرن هشتم و نهم، به جز مواردی استثنایی، براسان این باور بود که تسنن نیز بتدریج به تشیع نزدیک شد و این نزدیکی از طریق محبت اهل‌بیت(ع) بود. اندک‌اندک شرح حال امامان(ع) در کتاب‌های اهل سنت وارد شد و به جز مسائل فقهی، امامت و ولایت اهل‌بیت پذیرفته شد. فضای فرهنگی میان سنیان ایران در قرن هشتم و نهم، به جز مواردی استثنایی، براسان این باور بود که تسنن نیز بتدریج به تشیع نزدیک شد و این نزدیکی از طریق محبت اهل‌بیت(ع) بود. اندک‌اندک شرح حال امامان(ع) در کتاب‌های اهل سنت وارد شد و به جز مسائل فقهی، امامت و ولایت اهل‌بیت پذیرفته شد. فضای فرهنگی میان سنیان ایران در قرن هشتم و نهم، به جز مواردی استثنایی، براسان این باور بود که تسنن نیز بتدریج به تشیع نزدیک شد و این نزدیکی از طریق محبت اهل‌بیت(ع) بود. اندک‌اندک شرح حال امامان